

عطا نور دروغ میگوید و یا سازمان دیدبان حقوق بشر؟؟؟

(در مورد چور و چپاول کشور و با تفکیک بهتر چیزهای دیگری نیز تقدیم حضور خواهم نمود)

(استاد صباح)



من بارها بخاطر بیان حقایق و دردهای ناگفته ی مردم ستمدیده – تحقیر و توهین شده و به دسایس و توطئه های گوناگون مواجه شده و گاهی نیز به مرگ تهدید شده ام و با کوله باری از غم و اندوه از زادگاه ام بیرونم کردند، ولی هرگز متوقف نشده ام و نخواهم شد و متفکری میگوید: (اگر روزی دشمن پیدا کردی، بدان در رسیدن به هدف موفق بوده ای! اگر روزی تهدیدت کردند، بدان در برابرت ناتوانند.)

نه هر کسی نیست

من هزاران بار

تیرباران شده ام

و هزاران بار

دل . . . مرا از دار آویخته اند

و هزاران بار

با شهیدان تمام تاریخ

خون جوشان مرا

به زمین ریخته اند

سرگذشت دل من

زندگی نامه انسان است

که لبش دوخته اند

زنده اش سوخته اند

و به دارش زده اند . . .
آری از مرگ هراسی نیست . . .
پیش ما ساده ترین مسئله ی مرگ است
مرگ ما سهل تر از کندن یک برگ است
من به این باغ می اندیشم
که یکی پشت درش با تبری نیز کمین کرده است
دوستان گوش کنید
مرگ من مرگ شماست
مگذارید شما را بکشند
مگذارید که من بار دگر
در شما کشته شوم. (سایه)

اینان آگاهانه و در مقابل چشم جامعه جهانی و با موجودیت فزیکتی ناتو، آیساف و ادارات مختلف حقوق بشر، کشور را چیاول و تاراج نموده اند: فهیم معاون اول قبلی رییس جمهور و یونس قانونی معاون پیشین کرزی، بسم الله وزیر دفاع ملی قبلی، دبل عبدالله وزیر خارجه سابق و فعلاً رییس اجرایی، امرالله صالح رییس عمومی امنیت ملی گذشته، سیاف مسوول و موظف حقوق جنگ سالاران و تفنگداران و فتوا دهنده جهاد، شیخ آصف محسنی، ضیا و ولی مسعود برادران احمد شاه مسعود، عتیق الله بریالی سابق معاون وزارت دفاع، قره بیگ سابق رییس سره میاشت، گل آقا شیرزوی والی سابق ننگرهار، حاجی ظاهر و باقی بازماندگان حاجی قدیر، رییس ولسی جرگه و مشرانو جرگه فعلی، اسماعیل وزیر قبلی آب و برق، انوری سابق والی هرات، سید منصور وکیل ولسی جرگه و سید جعفر پسرش، حاجی محمد محقق معاون و یار و دستیار عبدالله، گلاب منگل آخند زاده والی قبلی هلمند، عمر زاخیل وال مشاور غنی، احدی یار غنی، فاروق وردگ و رحیم وردگ، برادران و پسران کاکا و خویشاوندان نزدیک کرزی، اکبری وکیل ولسی جرگه، بازماندگان خالص، ظاهر اغبر قبلا رییس المییک، محمود دقیق قبلاً لوی خارنوال، الکو لوی خارنوال فراری و قاضی القضاات خانه نشین، وزیران کابینه همه، رییس اداره امور ریاست جمهوری، والی فعلی ولایات که مربوط به یک تنظیم اند، بصیر سالنگی، امان الله گذر، قسیم جنگل باغ، کرام الدین کریم کنونی و خارلوال کرام سابقه، عارف قبلاً رییس عمومی امنیت ملی، کلانهای تنظیم های محاذ گیلانی، جبهه نجات مجددی، ملا عزت و قوماندانان تنظیم اتحاد سیاف، . . . و گرویهایی مافیایی که در همین حلقه وصل اند و کمکهای خارجی را به یغما برده اند و زمین و املاک دولتی و شخصی را غضب کرده اند و نیز امروز اگر طالب تروریست است سالهای قبل همین ها تروریست بودند، آدم میکشند، ترور میکردند، انفجار میدادند، پل و یلچک و کلینک و شفاخانه و مکتب را انفجار و میسوختاندند.

بیشتر از یک دهه است که کشور ما افغانستان با انواع بحرانها دست و پنجه نرم می کند. بحرانهای متفاوت و مختلفی که هر کدام باعث و علت شده برای بسیاری از ناهنجاری های متنوع و گوناگون. بحران امنیتی، بحران نظامی، بحران سیاسی، بحران اقتصادی و بدتر و خطر خیز تر از همه اینها بحران فرهنگی و اخلاقی و فاجعه بار تر از همه زور گویی، چپاولگری و نقض حقوق انسانی است که اساس و هویت انسانی مردم ما را نشانه گرفته و تهدید می کند. با تاسف باید گفت که امروز چهار دروازه کشور ما بر روی ورود هرچه ناهنجاری های مذکور است، باز باز نگهداشته شده است و هیچ نهاد و یا ارگان دولتی و غیر آن وجود ندارد تا در برابر این هجمه های سنگین و بنیاد بر انداز گوناگون، کاری انجام دهد!.

طی این مدت جنگ و ستیز، اجنبی و اجنبی پرستی، چور و چپاول، خود بینی و خود بزرگی، خیانت و جنایت، وحشت و بربریت، پنهان کاری و معامله گری، دزدی و فساد . . . به اوج خود رسید و این پدیده های شوم و خانمانسوز تا جای پیش رفت که عملاً استقلال ملی تمامیت ارضی و حاکمیت دولتی را تهدید نمود و فرزندان وطن را آواره و سرگردان نمود و این جنگ تباه کن و نوکری و بیگانه پرستی کشور را ویرانه و ملت را بخون نشانده.

متأسفانه و سوگمندانه مردم مظلوم ما قربانی امیال و هوسهای گوناگون افراد و گروههای مختلف نظامی و سیاسی شده اند بدون اینکه در زنده گی سراسر پریشانی و مشقت بار آنها تغییر مثبتی صورت گیرد. منتها هرگاه که جنگ بر سر منافع و به دست آوردن قدرت صورت می گیرد کسانی که بیش از همه ضرر می کنند و قربانی می شوند، مردم هستند که در کوران حوادث همواره باید تاوان خود خواهیها و قدرت طلبی های مستی معامله گر و اجنبی را بپردازند. مردم که با صدها مشکل در حال حاضر روزگار می گذرانند، نگران این هستند که با تداوم نا امنی ها، خدای ناکرده همانند عراق همین امنیت نسبی در بعضی از ولایات نیز، رخت بر بندد و جان و ناموس مردم بی رحمانه در مقابل هوسهای قدرت طلبانه جنگ سالاران به خطر افتد.

هنوز قاچاق مواد مخدر، معادن، انبارهای اسلحه، چور و چپاول سرمایه های دولتی و شخصی، رشوت و رشوت ستانی، قتل و جنایت های تکان دهنده، دزدی و اختلاس، خویش خوری و قوم پرستی . . . به پیمانهای زیادی به چشم می خورد، با اندوه فراوان با گذشت هر روز وسعت بی سابقه پیدا نموده و قانون و دولت را زیر سوال برده اند.

از یکطرف نگرانی های بین المللی از تشدید بحران در افغانستان و افزایش خطر طالبان، تا جایی پیش رفت که برخی از تحلیلگران حتی از احتمال بازگشت افغانستان به دوران سیاه گذشته در نتیجه افزایش خشونت طالبان و کم توجهی بین المللی به این کشور سخن گفته اند. فساد اداری، مواد مخدر، تروریسم، فقر، نا امنی، فقدان اشتغال مشکلات با همسایه ها، حاکمیت جنگسالاران و نظایر آن همچون یک نظام پیوسته به هم عمل می کنند. اما با تمام این ها موردی بر خورد می شود و تنها راه حل پیشنهادی نیز از طریق نظامی و امنیتی جستجو می

گردد. تقویه پولیس ملی و اردوی ملی، همین و بس. در حالیکه حوادث تروریستی آشکار ساخت که با وجود مصارف زیاد و وعده های زیاد تر، نه پولیس ملی داریم و نه اردوی ملی.

کوشش در جهت ایجاد اردوی ملی و همزمان با آن احیای ملیشه بازی و در پهلوی آنها توسل به شیوه های ناکام جرگه سازی. پذیرش مصلحت هایی که هر کدام دارند همان نتایجی را در بر دارد که تا حال داشته است و تازمانی که مصلحت و روزگذرائی اساس کار و سیاست باشد، که هست، هیچ نشانه ای از بهبود را نخواهیم دید. دولت خود را به مصالح گروه های گوناگون متعهد می داند و بر همین اساس روزانه برنامه می سازد. با قدرتمندان درون دولت، با قوماندانان محلی، نیروهای محافظه کار، با جامعه جهانی و . . . و برآیند آن نیز همین است که هست. در این میان آنکه هرگز مورد توجه قرار نمی گیرد و نقشی را که می تواند بر عهده بگیرند نادیده گرفته میشود اکثریت مردم افغانستان است که از فقر و مرض و بی سر پناهی و بیکاری رنج می برند. فعالیت القاعده، طالبان و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، چالش نخست در برابر آینده است و پس از آن، وجود جنگسالاران و گروههای مسلح تنظیمی مشکلات عمده پیش روی کشور هستند و مواد مخدر، به عنوان چالش دیگر در برابر دولت قرار دارد و بدبختانه دولت نیز بخاطر بیرون رفت از مشکلات موجود راه های بیرون رفت را جستجو نکرده و خود نیز عملاً در همدستی و همیاری با جنایت کاران قدرت طلب و پول پرست به مشکلات موجوده می افزاید.

دولت در مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر، حساب دهی از کمک های جامعه جهانی، جذب اعضای گروه های "مجاهدین" در تشکیلات اردو و پولیس ملی و همچنین استخدام آنان در تمامی ادارات دولت در داخل و خارج، جلوگیری از تبلیغات علیه "جهاد" و "مقاومت". اگر این شروط کالبد شکافی گردد قبول آنها نتیجه ای جز پذیرفتن حاکمیت عده ای خاصی نیست.

اگر جنایتکاران و گروههای که تحت نام "جهاد" و "مقاومت" ستمهای فراوانی که بر ملت روا داشته اند به خاطر خیانتها و جنایتهای بی شماری که مرتکب شده اند به پای میز محاکمه کشیده نشده و مخصوصاً میلیونها دالری ذخیره و انباشته اند از حلقوم شان بیرون نشود در واقع هیچ کاری علیه آنان صورت نگرفته است و قادر خواهند بود با پول بی حساب خود به هر رذالت و ترور و توطئه و تقلب دست بزنند. ولی متأسفانه سازش و سازشکاری چون گذشته ادامه پیدا کرده است.

بیایید با خود بی اندیشیم که طی تقریباً یک قرن از اصول استقلال ما به وطن و مردم وطن چه کرده ایم و همین اکنون تا چه حدودی مالک کشور و صاحب استقلال و تمامیت ارضی کشور ما هستیم.

چندیست تعدادی از رسانه های داخلی و خارجی در مورد عطا محمد نور خبرهای ضد و نقیضی به نشر می رسانند و به اصطلاح وی را سوژه خبری خود قرار داده اند؛ در اینکه عطاء نور یکی از چاشنی های مهم و ایده آل برخی از کشورها است هیچ شکی نیست و همچنین در اینکه عطا نور نقطه قوت تیم عبدالله محسوب می شود هم جای تردیدی وجود ندارد؛ ولی آیا واقعیت همین گونه است که رسانه ها از عطاء نور یک شخصیت جنجالی،

مغرور، زورگو، خشن و تاثیر گذار ساخته اند و آیا واقعا وی به عنوان یکی از پایه های اصلی و اراکین قدرتمند فتنه جدید شمرده می شود؟

در چند دهه اخیر کنشها و واکنش های عطا نور همواره خبرساز بوده و تعدادی از رسانه ها بطور خاص، دنبال برجسته کردن اخبار مربوط به گفتار و کردار عطا بوده اند و از وی یک شخصیت تاثیر گذار در روند سیاسی کشور ساخته و از ضعف برخورد عملی اداره اجیر در مقابل برخی تصمیمات خود سرانه و خود کامه عطاء نور نیز استفاده کرده و تا جایی قدرت و نفوذ عطاء نور را مهم جلوه دادند که از وی به عنوان پادشاه بلخ یاد کرده اند و حتی گفته شده که عطاء نور با قدرت و نفوذی که دارد و با حمایت سفت و صریح که از سوی برخی از کشورها برخوردار است می تواند قدرت مرکزی اداره کابل را به چالش بکشد و در طول مدت حکومت کرزی در مورد اقدامات دیکتاتورانه وی هیچ مقامی جرئت استضیاح وی را نداشته است؛ و با جرئت می شود گفت که عطا تنها والی بوده که کرزی هیچگاهی نتوانسته با وی شاخ به شاخ شود نه بدین معنی که شاید بدین خاطر والی بلخ دست نخورده مانده و تشیکلات اداری ولایت بلخ تغییر نکرده که وی شخص بسیار مطیع، متعهد و اصولی بوده است، نه بلکه بدین جهت که عطا با پیشینه و پشتوانه خارجی خود پیوسته کوشیده است که در بلخ به صورت یک اداره خودمختار حکومت کند تا یک والی زیر دست تحت حکم یک مافوق برتر. در تحولات اخیر و پس از آنکه در سرطان سالجاری، نتایج دور دوم انتخابات به نفع تیم عبدالله اعلان نشد؛ نقش عطا به عنوان مرد جنگی تیم عبدالله زمانی برجسته گردید که نتیجه اعلان شده را تقلب آمیز خوانده و نپذیرفت و ضمن اتهام به عدم بی طرفی حکومت در مسئله انتخابات، اداره مرکزی کابل را فاقد صلاحیت تصمیم گیری و نامشروع اعلان کرد و عبدالله را به حیث رئیس جمهور مشروع به رسمیت شناخت و از حکومت موازی سخن به میان آورد؛ در دنیا شاید این نخستین باری بود که در دموکراسی تحت قیادت غرب، صلاحیت والی از صلاحیت های رئیس جمهوری فراتر رفته بود و یک والی می توانست رئیس جمهور را از قدرت خلع نماید؛ لیکن این پایان ماجرا نبود و این احساسات آتشین عطا نور مدتی پس از آنکه سرورش عبدالله به میانگیری جان کری تن داد و ملزم به دستورات لازم الاجرا امریکا شد، فروکش کرد و عطا منتظر فرصت مناسب دیگری ماند تا اینکه با ایجاد اختلافات شدید و دو دستگی آشکار سر تقسیم قدرت بین تیم اشرف غنی و عبدالله و ظاهرا به عدم تمکین اشرف غنی به خواسته های مهم عبدالله، باز یکبار دیگر عطا سخن از زور و زورگویی زد و طی یک مصاحبه با روزنامه واشنگتن پست تهدید کرد که اگر نتیجه انتخابات یکجانبه باشد دست به قیام ملی و تصرف بسیاری از ساختمان های حساس دولتی می زند؛ سخنانی که بلافاصله به سرخط خبرهای رسانه ها تبدیل شد و اقلا برای یکبار دیگر چهره نور رسانه ای شد و این خبر تا جایی مقامات امریکایی را برآشفته ساخت که (جیمز کنگهم) سفیر امریکا در کابل به دیدار عطا رفت و وی را به پرهیز از خشونت و صف آرایی در مقابل نتیجه انتخابات دعوت داد و با ابیادها و نبایدهای خود به وی فهماند که مبادا دست از پا خطا کند و به وی هشدار داد که زورش را برای خودش نگهدارد و گرنه امریکا از تهدید کسی هیچ ابایی ندارد!

جای سوال اینجاست که آیا واقعا عطا نور این مرد جنگی تیم عبدالله زور دارد که همیشه سخن از زورگویی می زند یا دنبال زورآزمایی است و می خواهد در میدان سیاسی فعلی باقی مانده زورش را محک بزند تا ببیند که واقعا چقدر زور دارد و آیا زورش حتی به بادرانش که مدتی است بر دسترخوان آنها نشسته و از پولهای هنگفت و بی حساب و کتاب آنها زندگی تجملاتی برای خویش در داخل و خارج ساخته، می رسد یا نه؟؟؟

حقیقت اینست که عطا همانند دیگر تفنگسالاران فقط زورشان به هموطنان مظلوم شان می رسد و در حق مردم غریب بی چاره افغانستان زورگویی می کنند، در غیر اینصورت همه می دانند که قیام عطا نور و غیره در مقابل خواسته های امریکا، به جز لاف و پوف چیزی دیگری نبوده و خدا بیامرزد آن زمانی را که این وطن فروشان از نام جهاد و اسلام سوء استفاده می کردند و با وعده ها تبلیغات دروغین شان، ملت مومن و غیور را فریب می دادند و از وجود ملت در جهت منافع شخصی و سیاسی خود بهره جویی می کردند؛ ملت غیور دیگر بار فریب این دروغگویان را نخواهند خورد و از انتخابات فعلی درس عبرت خواهند گرفت که چگونه به نام ملت، این وطنفروشان خاین اینهمه افتضاحات تاریخی را بیار آوردند و باز هم بی شرمانه در کنار مقامات کاخ سفید و نه ملت مظلوم و ستمدیده، دم از ملی گرایی و وطن دوستی می زنند!؟!

والی بلخ همچنین وزنه اصلی ستاد انتخاباتی عبدالله بشمار می رفت که با قدرت و جایگاه خود در این ولایت بزرگ، تاثیر بسزایی بر آرای درو شده از مزار شریف و ولسوالی های همجوارش در حمایت از تیم اصلاحات و همگرایی داشت. گرچه گمانه زنی های متعددی از احتمال تابعیت وی در ازبکستان، فرار بخاطر رشوت خواری ها و اختلاس ها، نگرانی از محاکمه قضایی پس از اتمام حکومت حامد کرزی و با روی کار آمدن اشرف غنی احمدزی و از این قبیل وجود دارد اما . . . اما بی تردید وی با هر آنچه که در توان داشت و به کار بست در کنار هرچه برای خود اندوخت.

بلخ بیشتر به خاطر حضور نداشتن طالبان دارای ثبات و آرامش بود نه والی یک ولایت. والیان دیگر ولایتها نیز به مردم خود خدمت کردند و اما جنگ با طالبان این فرصت را از دیگر ولایات گرفته تا با جذب سرمایه گذار بتواند خدمتی به مردم خود بکند. عطا محمد شکمش پر شده و زیاده خواهی دیگر برای او بس است. مطمئنا اگر داکتر عبدالله هم رییس جمهور میشد باز هم عطا محمد را به محکمه مکشیدند و عطا محمد و دیگر زورگویان بی منطق لکه ننگی بر عبدالله بود. اقدامات خود سرانه وی دید مردم را نسبت به عبدالله تغییر داد و ایشان را به یک شخصیت جنگ طلب و زورگو معرفی کرد پس همان بهتر که اینگونه افراد که خودشان جنگ را راه می اندازند و خودشان اولین افرادی هستند که از جنگ می گریزند و مردم را به جان هم می اندازند در صحنه سیاسی حضور نداشته باشند.

آیا سازمان دیدبان حقوق بشر دروغ میگوید؟؟؟



به خشونت و جنگ و توپ و تفنگ

زدند بر شیشه‌ی مردم ما سنگ

همه جا قصه‌ی فریب و رنگ است

به هر رنگی هزاران چال و نیرنگ.

روزنامه واشنگتن پست مقاله تحت عنوان افغان‌های ثروتمند از پول‌های وافر خود خانه‌ها می‌سازند، که به نوشته این روزنامه کرایه ماهانه یکی از خانه‌های چهارمنزله واقع در شیرپور، دوازده هزار دالر امریکایی است. شیرپور منطقه مورد علاقه جنگ سالاران می‌باشد. همچنان چندی قبل ویلیام بیٹی سفیر فوق العاده ای بریتانیا در افغانستان به رسانه‌ها اعلام داشت که فساد در افغانستان و فرهنگ گریز و معافیت از قانون، مایه نگرانی کشورش در ادامه کمک به افغانستان است و ی گفت: ما متعهد به کمک کردن هستیم. اما این کمک‌ها مشروط است به رعایت اصول حکومت دارای خوب در افغانستان. بیٹی از روند فعلی اوضاع در افغانستان ناراضی است و فساد موجود در افغانستان را، مانع از رسیدن کمک‌ها به افغانستان دانسته است.

برای اینکه بدانیم که سازمان متذکره دروغ و یا راست می‌گوید و درینجا جایادهای عطا محمد نور والی بلخ را مورد بررسی قرار می‌دهیم که تنها در ولایت بلخ نزدیک به یک میلیارد دالر (هزار میلیون دالر) می‌رسد. این دارایی است که نه از پدرش برایش میراث مانده و نه هم از مجرای تجارت بدست آورده است بلکه در ده سال گذشته با استفاده از پست دولتی بدست آورده است.

پدر عطا محمد نور در شهر مزار شریف یک دوکاندار ساده بود که تمام مفاد سالانه وی به بیش از هزار دالر امریکایی نمی‌رسید، اما امروز پسرش (عطا محمد نور) منحصیث یک سرمایه دار جهانی یاد می‌شود. در سال‌های گذشته والیان و وزیران دولت افغانستان میلیون‌ها دالر امریکایی را حیف میل نموده اند که مانند والی بلخ تا هنوز نه از سوی دولت و نه هم از جانب رییس جمهور مورد پیگرد قرار گرفته اند. حتی برادران رئیس جمهوری هر یک محمود کرزی و احمد ولی کرزی و . . . ، تا چند سال قبل در هتل‌های امریکا مزدوری می‌کردند، اما در دوره ی حکومت برادرش (حامد کرزی) میلیونر شدند که این خودش یک مثال آشکار از غرق بودن حکومت قبلی در گودال فساد است.

جنگ سالار عطا محمد نور که لقب مرد معارف و مرد صلح را در ولایت بلخ خودش به خود داد بخاطر خدماتی بود که خون مردم را ریختاند و مکتب، شفاخانه، پل و پلچک را به آتش کشید. عطا محمد نور زمانی که میخواهد از یک محل به محل دیگری نقل نماید یعنی از یک خانه به خانه دیگر برود وی را بیش از پنجاه موتر تعقیب سکورت مینماید که همه مال ملت اند. وی در شهر مزار شریف مالک بیش از ده ها بلند منزل است که بعضی از آنها را به نام خود و یا زن، فرزندان و اقارب خویش خریداری نموده است. عطا محمد والی بلخ اضافه از ۵۰۰ قباله شرعی در ارتباط جایداد ها یا به نام خود یا به نام خانم و دو پسران و دخترش در املاک ثبت میباشد.

چندی قبل جنگ سالار معروف عطا محمد نور، متهم نقض حقوق بشر و کسی که در چور و چپاول میلیون ها دالر از دارایی های خصوصی و دولتی در شمال افغانستان دست دارد، به خبرنگار شبکه الجزیره گفته است که طالب به مراتب بهتر از جنایات دوستم است. عطا محمد نور این را در پاسخ به شایعاتی مبنی بر فرار گرفتن جنرال دوستم بجای او، در ولایت شمال اظهار داشته است. این جنگ سالار، در انتخابات ریاست جمهوری از جنگ سالار دیگر دبل عبدالله حمایت کرده بود. بخش قابل توجهی از تقلب انتخاباتی در ولایت بلخ به نفع دبل عبدالله، با اعمال نفوذ و فشار عطا محمد نور صورت گرفته است.

فشرده از جایدادهای عطا محمد نور :

پروژه خالدبن ولید که از طرف والی توزیع گردیده تقریباً ۶۰۰۰ هزار نمره است که قیمت فی نمره آن مبلغ ۸۰۰۰ هزار الی ۲۰۰۰۰ هزار دالر به فروش رسیده و در پروژه متذکره به تعداد ۲۰۰ نمره در قسمت فوق العاده برای خود غضب نموده است.

مارکیت عصری به نام باختر که در آن به تعداد ۲۰۰ باب دوکان.

مارکیت بادام در پهلوی سینا استدیوم که اکنون ملکیت شان میباشد.

مارکیتی به نام عجب خان که اکنون کار تعمیرات و ساختمان آن تکمیل گردیده.

سنتر بز نس نور که هشت طبقه بوده و با تعداد ۱۰۰ باب دوکان.

مارکیت ادویه فروشی مقابل شفاخانه مزار.

کلنیک لایزر نور.

شرکت تیل نور دروازه بلخ.

منزل رهایشی چندین طبقه به نام مترا نور (دخترش) ۴۰۰ باب اپارتمان دارد.

منزل ده طبقه یی مقابل شاروالی مزار.

شرکت ترانسپورتی مترا نور که بیش از ۳۰۰ نوع موتر در آن فعالیت دارد.

مارکیت جدید که بجای سینمای سابقه مزار اعمارگردیده، حدوداً ۱۰۰۰ هزار دوکان دارد.

پمپ استیشن های خالد نور که در نقاط مختلف شهر مزار موقعیت دارد.

خانه شخصی اش در چهار طبقه در منطقه چو غدک که با مصرف دو میلیون دالر.

يك باب سراى حدودى سه جريب زمين ايستگاه موترهاى ولسوالى شولگر.

ساختمان بلند منزل عقب تعمير ولايت.

صالون هاى عروسى آريانا در شهر مزار شريف.

تعمير بلند منزل عقب ليه سلطان راضيه بنام خانمش و فعلاً كلينك شخصى است.

موسسه آموزش تحصيلات عالى به نام آريا در شراكت با احمد ضيا.

دو باب شفاخانه به نام مولانا جلال الدين و الفلاح.

مقابل پوهنتون بلخ ماركيت بلند منزل به نام سينا كه دارايى ۴۰۰ باب دوكان، در شهرك حيرتان ذخيره هاى تيل و جايداد متعدد با شركت وارداتى انترنیشنل، و مالكيت وى و كمال نبى زاده، دستگاه تلويزيون شخصى به نام آرزو. . .

عطا محمد كه خود را نور مى نامد، با پيشينه تاريخى و انديشى و تاريخ فكري كه در عملنامه سياه او از روزگار مكتب سوزى و زن ستيزى درج گرديده است بر بلخ فرمان مى راند. اين مرد سياه كار و سياه دل و ياران ديگر تنظيمى او بيشرمانه دارايى هاى دولت و مردم مظلوم را غارت ميكند. شمار قصر ها و بلند منزل هاى اين فرومايه گان قرن بيست و يكم از حساب بيرون است، بگونه نمونه از چند ماركيت و قصر بلند منزل سرباند دزدان در بلخ ياد آور ميشويم تا خواننده گان به غفار پهلوان و رسول پهلوان كه اسلاف اين وطنفروشان در چپاول و ثروت اندوزى بودند روى سفيدى تاريخى دهند. اگر از روضه مزار شريف كه در وسط شهر قرار دارد بطرف غرب حركت كنيد در كمتر از يك كيلومتر تماشا خواهيد كرد كه چگونه سينماى سابق مزار نندارى به ماركيت والى بلخ تبديل گرديده است و در مقابل آن ماركيت ديگر او خالد نور قد برافراشته و كمى پيشتر قصر مهمانان وى ساخته شده و در مقابل قصر، اتحاديه باربرى و ترانسپورتى خالد و طارق با صد ها موتر قرار دارد و متصل آن بطروليم طارق نور به خيابان غربى انوار چراغهاى گوناگون بخشيده است و كمى پيشتر به شفاخانه الفلاح مى رسيد كه باجه خود ميرويس رييس شفاخانه بلخ تازه سرمايه گذارى نموده اند. در نخستين گام زير زمينى دروازه شاديان والى چند قصر و خانه و مهمانخانه را ميبينيد تا كوه هاى شاديان كه پروژه خالد بن وليد با هزاران نمره رهايشى با غضب زمين هاى دولتى ادامه مى يابد همه را والى به نفع شخصى غضب نموده اند. و به همين ترتيب سراى سابق عجب خان و كارته آريانا چندين قصر و تعمير همه مالكيت والى بلخ است، در سمت شمال ماركيت تركارى سابق حق مسلم اين مجاهد و مقاومت گر بى مانند است و دهها جايداد غيرمنقول ديگر كه درين مختصر ذكر آن نمى گنجد. اين به اصطلاح مجاهدين كه هر لحظه وازه جهاد را به رخ مردم مى كشند و پاى آمريكايى و ياران غربى را ميبوسند بى شرمانه صد ها هزار جريب زمين دولتى را غضب نموده اند كه شهرك هاى خالد بن وليد و همدرد نمونه هاى ناچيز آن محسوب ميگردد. باند مافيايى والى چون پادشاه كل اختيار بلخ هر كسى را كه مانع اغراض خود فكر كنند بى هراس گردن مى زنند و پروا از محاكمه و محاسبه نيز است. بيشترين ساحات مركز شهر را عطا خريدارى نموده؛ مالك شفاخانه ها الفلاح و مولانا، شهرك هاى

رهایشی مانند پروژه خالد بن ولید، مراکز تجارتی نور، تانک تیل طارق نور، مهمانسرای مزار، اپارتمان زرگری ها، رحمان مارکیت، بازار باختر، انسیتوت علوم صحی مولانا و اپارتمان شبکه مخابراتی MTN واقع در شهر نو کابل میباشد و قرار معلوم حدود ۲۵۰ قباله رسمی ثبت شده در محاکم بنام خود و وابستگان نزدیکش دارد. در سایر بلند منزلها، تجارت خانه ها، مارکیت های لباس فروشی، انجو ها، شهرک ها، شفاخانه ها و کلینیک های شخصی با فیصدی معین یا شریک است و یا از آنان حق میستاند. گندگی باج خواهیش به جایی رسیده که در ماه حوت سال (۱۳۸۸) نزدیک به نوروز سال نو کسی در تاشکند از کمال نبی زاده رییس شرکت نبی زاده و تلویزیون «آرزو» که دوست نهایت صمیمی کار و بار عطا است میپرسد، چرا با وجود «امنیت» در مزار سرمایه گذاری نمیکنید؟ در جواب میگوید «نمیخواهم برای زخم شریک بگیرم!» مختصر ترین جواب از یک بورژوا کمپرادور چی معنی دارد غیر ازینکه در تمامی امور با استاد شریک است.

حامیان عطا محمد نور چه میگویند؟؟؟



(خدا رحمت کند چنگیزیان را

زدند با تیر بلخ و بامیان را

گمانم میدانستند که اینها

چپاول میکنند افغانستان را)

تا این دزدان میلیون دالری به پنجه قانون سیرده نشوند هیچ حرف و سخن زمامداران را باور نکنیم که فریب میدهند - محمود کرزی، خلیل الله فیروزی، حصین فهیم، شیرخان فرنود، یونس قانونی، حاجی نبی، فاروق وردگ، ضرار احمد مقبول عثمانی، رحیم وردگ، تاج محمد وردگ، کریم خرم، احمد مشاهد، دبل عبدالله، عمر زاخیلوال، قدیر فطرت، ابراهیم عادل، ظاهر قدیر، بسم الله محمدی، باز ماندگان قسیم فهیم، عطا محمد نور، تورن اسماعیل، عنایت الله قاسمی، ظاهر اغیر، زلمی حقانی، کرام الدین کریم، عتیق الله بریالی معاون قبلی وزارت دفاع، عمر داوودزی، اشراق حسینی، محراب الدین مستان، یونس نواندیش، نادر آتش، احمد ضیا مسعود، صدیق چکری، سید حسین انوری، محمد اکبری، خانواده کرزی، احدی، عبدالروف ابراهیمی، وکیلان پارلمان و ده ها تن دیگر از این قماش.

تا زمانی که نیروهای خارجی اینان را حمایت کنند، در زندگی مردم فقیر و ستم دیده هیچ تغییری رونما نخواهد شد. پس لازم است تا وطن پرستان و فرزندان اصیل این سرزمین و آنانکه به وطن و مردمش ایمان دارند، فشارهای رسانه‌ی را تشدید و دین خویش را در مقابل مادروطن ادا نمایند.

یک نشریه آلمانی نیز علام نموده بود که ناتو در افغانستان علاوه بر مأموریت نظامی قتل‌های هدفمند نیز انجام می‌داده است.

در این نشریه آمده است که سازمان ناتو در لیست قتل‌های هدفمند خود اسامی سربازان متهم به دست داشتن حملات علیه نیروهای ناتو، آنانی که قصد پیوستن به طالبان را دارند و قاچاقچیان مواد مخدر را دارد.

عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ نیز به اتهام قاچاق مواد مخدر در شمال افغانستان، در سال دوهزارده میلادی وارد این فهرست شده است. این سازمان در سال دو هزار و ده میلادی به ظن سرمایه‌های فراوان نور وی را در این فهرست قرار داده است، زیرا ناتو فکر می‌کند این سرمایه از طریق قاچاق مواد مخدر به دست آمده است.

عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ در واکنش به گزارش تازه سازمان دیدبان حقوق بشر اعلام کرد که علیه این سازمان اقامه دعوی می‌کند. سازمان دیدبان حقوق بشر اخیراً گزارشی را تحت عنوان "ما همه باید بمیریم" زورمندان افغانستان مصوون از مجازات هستند، اسامی هشت نفر را که در پولیس ملی، ریاست امنیت ملی و پولیس محلی و دیگر سمت‌های دولتی ایفای وظیفه می‌کنند و متهم به قتل شکنجه و دیگر جرایم می‌باشند، منتشر کرده است.

عبدالحکیم شجاعی، خیر محمد تیمور قوماندان سابق امنیه تخار، عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ، اسدالله خالد رئیس پیشین امنیت ملی، میر علم قوماندان جهادی، عزیز الله قوماندان پولیس محلی در ارگون، حاجی نجیب الله رئیس سابق امنیت تخار و جنرال عبدالرزاق قوماندان امنیه قندهار در محور گزارش دیدبان حقوق بشر قرار دارند.

این گزارش افراد فوق را متهم به موارد زیادی از قاچاق مواد مخدر، حمایت از افراد مسلح غیر مسوول، نقض حقوق بشر و اختطاف افراد کرده است. باین حال، نور در یک نامه اعتراضی نوشته است که گزارش منتشره اخیر سازمان دیدبان حقوق بشر، مردم افغانستان را نسبت به جایگاه حقوقی و رعایت اصل بی‌طرفی این سازمان مشکوک کرده است.

به نظر نور، در این گزارش بیشتر بر گمانه‌ها و مدارک عاری از حقیقت تمرکز شده است و در عین حال به شخصیت وی اهانت شده است. سرپرست ولایت بلخ نگاشته است- با توجه به درون مایه‌های این گزارش و بر اساس اصول پذیرفته شده بین المللی می‌خواهم ضمن رد اتهام‌های وارده بر من، دفاعیه خود را پیشکش و در عین حال اقامه دعوی ام را از طریق سازمان ملل متحد و دادگاه‌های معتبر بین المللی، روی دست گیرم. من برای پیگیری محتوای بی اساس این گزارش و اتهام‌های وارده بر من به صورت رسمی اقامه دعوی می‌کنم

و صورت دعوی خود را از طریق وکیل مدافع خویش به سازمان ملل متحد و نهادهای معتبر بین المللی پیشکش خواهم کرد. در زبان عامیانه میگویند: «ای یار با وفا تو بوکس کو مه دفاع».

در اطلاعیه ی از زبان عبدالله نقل شده که عطا محمد نور؛ والی بلخ جزء افرادی است که در این گزارش متهم به نقض حقوق بشر شده است که این اتهامات نیاز به بررسی دقیق دارد چرا که وی یکی از مقامات محبوب و موفق حکومت است که در بیش از سه دهه نقش مهمی را در تاریخ کشور ایفا کرده است. وی گفته که عطا محمد نور به عنوان یک فرد موثر، وطن پرست و با وجدان که در برقراری صلح و ثبات در افغانستان تلاش می کند شناخته شده است و فردی با چنین سابقه خدمت مورد احترام حکومت بوده و از چنین اتهاماتی مبرا می باشد. عبدالله گفته که صرف افشای نام هشت مقام بلند پایه دولتی که در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی خود موفق بوده اند، دلیلی بر نقض حقوق بشر نمی باشد. صلاح الدین ربانی وزیر خارجه نیز گزارش دیدبان حقوق بشر مبنی بر متهم ساختن چندین فرد سرشناس را مغرضانه تلقی کرد و گفت که محتوای این گزارش چکیده فکری افراد خاص برای برهم زدن افکار عامه در جامعه است.

حقوق بشر درین گزارش اشتباهات دارد و تنها در چپاول و جنایت عطا محمد نور سهیم نیست و این چهره ها نیز به شکلی از اشکال در چور و چپاول وطن سهم گرفته اند. قوماندان گدا محمد خالد، صالح محمد ریگستانی، جنرال عتیق الله بریالی، انجینیر محمد عارف سروری، امان الله گذر، خانونال محمود دقیق، صوفی محمد سعید شتلی، خواجه نبی، جان احمد، جنرال دین محمد جرأت، فرید شفق، قوماندان قیس قرباگی، محمد قسیم فهیم، قوماندان شاه حاجی، انور خان قره باغ، خواجه رحمت، عبدالصیر سالنگی، محمد ایوب سالنگی، فضل الدین عیار، قوماندان نور حبیب، فضل احمد عظیمی، داکتر حقبین، مولوی غلام ایشان، استاد مالک خان، احمد ضیا مسعود، استاد نجیب فهیم، قوماندان غلام محمد، حاجی صفی قره باگی، جنرال عبدالولی، احمد ولی مسعود، محمد یونس قانونی، عبدالله رییس اجرایی، بسم الله محمدی، امرالله صالح، قاری محب الله، صوفی رزاق، خواجه صفی، گل پاچا، جنرال عارف، حاجی الماس، حاجی بری، حاجی داوود کلکان، پهلوان هاشم، سید عبدالله استالفی، صوفی شریف، پهلوان معروف، امر دوست محمد، زلمی طوفان، جنرال آغا گل، ملا عزت، سید اسحق، محمد خواجه حسن، سید منصور فرزه یی، جنرال رستمی، جنرال راغب، عزیز مجروح، جنرال محمد رازق، جنرال قلندر بیگ، جنرال محمد شریف، جمیل تتمدره، سید اقبال، آغا جان سنجنی، عبدالهادی صافی، آغای خانقاه، جنرال حلیم، جنرال دوران، جنرال امیر جان، جنرال عبدالاحد، ارباب جمیل فرنگ، جنرال جلال غنی، خانونال حسین، عبدالرب رسول سیاف، ملا تاج محمد، حاجی شیرعلم، اسماعیل خان، جنرال ظاهر عظیمی، سید نصیر علوی، علم خان آزادی، عطا محمد نور، قوماندان صادق، جنرال سید وثیق، قوماندان سید کامل، محمد اسحق رهگذر، علی محمد وفایی، احمد خان سمنگانی، گل محمد پهلوان، جنرال ملک، خانونال عبدالاحد دهبازد، خال مرزا صبوری، عالم ساعی، جنرال بابہ جان، قوماندان نجیم خان، قوماندان گل حیدر، قوماندان عظیم، معلم فقیر احمد، میرزا رحیم، داکتر تاج محمد، جنرال عزیز غیرت، جنرال کبار، جنرال محمد

اسحق قوماندان مومن، مولانا قربان فرید، نصیر احمد ضیایی، قوماندان رجب خان، قوماندان ملا صبور، قسیم جنگل باغ، امان الله سالنگی، محمد یحیی سالنگی، ولسوال کبیر، مولوی محمد ظریف، حاجی رحیم سانچارک، سید آقا حسین سانچارکی، حسن فهیمی، جنرال ذوالفقار، جنرال گل محمد پهلوان، داکتر محمد ابراهیم تیوره، غلام یحیی چارسده، احمد خان دره مرغاب، عادل بلخی، حاجی محمد محقق، سید حسن صفایی، کریم خلیلی، محمد اکبری، سیدحسین انوری، سیدعلی کاظمی، قربان علی عرفانی، باز محمد جوهری، جنرال مراد علی، سید علی رحمتی، جنرال خلیل اندرابی، جنرال کبیراندرابی، جنرال مصطفی، جلال باجگاه، قوماندان رسول، قوماندان شکور، آمرمیرعلم کندز، حاجی سنگی محمد، مولوی ضیا الحق، قوماندان شاه عالم خوست، سید منصور نادری، سید جعفر نادری، سید حسام الدین، عزیزالرحمن گدامدار، عزیز بلال، جنرال اکرم، پیر محمد، پیرام قل، سبحان قل، قاضی محمد کبیر مرزبان، مامور حسن، داکتر جنید، بشیرقانت، سید اکرام الدین، حاجی آغا گل، اکرم خان، سید احمد روپین، داکتر احمد مشاهد، جنرال امام الدین، عبدالجبار تقوا، داکترمحمی الدین مهدی، سید نبی، داکتر قدم شاه، جنرال فیصل بیگ، سلطان محمد اورنگ، باز محمد احمدی، سمیع الله قطره، سلطان محمد عبادی، صلاح الدین ربانی، بصیر بنگی، مولوی محمد نبی، محمد نور خواهانی، قوماندان سردار محمد، مخدوم فضل، عبدالولی نیازی، سید قدیر صیاد، دگروال نذیر محمد، بصیر خالد، سید امین طارق، محمد طویل، جنرال محب الله، قوماندان دانشی، عبدالرووف ابراهیمی، امر لطیف، فضل کریم ایماق، جنرال داوود ابراهیمی، محمد انور جگدک، ملا فضل، عبدالخالق قندهاری، مولوی نیک محمد، مولوی غلام محمد غریب، محمد عارف نورزی، امرلالی، الله یار، کریم براهوی، سید اسحق گیلانی، قاضی راز محمد دلیلی، حاجی حضرت علی، حمید الله توخی، قوماندان عبدالرزاق، وحید الله سیاون، قاضی محمد امین وقاد، سید اشراق حسینی و فساد در کشورما دوشادوش دولت کرزی و حاکمیت تفنگداران به پیش رفته است، تاثیر جنگ های خانمانسوز و گماشتن انسانهای بی بند و بار و استفاده جو مخصوصا در سالهای چور و چپاول کشور وسیله افراد تنظیمی و بیسواد باعث شد تا این پدیده شوم، دولت و جامعه جهانی را به تهدید مواجه سازد. بدون شك وارد کردن ضربات کوبنده و پیهم فساد و اختلاس بر سیاستهای دولت، باعث از بین رفتن منافع ملی گردیده و حاکمیت را به نابودی و گمراهی کشاند.

مردمی که طی این مدت در آتش خون و نفاق، دار و ندارش را از دست داده، دیگر نمی تواند بدبختی های بروکراسی و فساد اداری و زورگیری را به دوش آگنده از خون خویش تحمل کند. ملت مظلوم باید بداند که اعمال آنده عناصر استفاده جو که کوچکترین پابندی به هیچ قوانین بجز منافع خودشان ندارند، قابل عفو و بخشش نبوده و نخواهد بود و شاید فراموش کنند که سازندگان فساد اداری هرگز بخاطر نمی آورند تا مدت طولانی به اعمال بنیادگرایانه و خائنانه برخلاف اتحاد ملی، غسل زهرآلودی را وابسته به در گلو فرو برند. تاریخ این دوره که بیانگر اعمال و کردار انسانهاست، آیینی وار بروی عملکرد های انسانی قضاوت خواهد کرد و کتمان جای هیچ خاین ملی را بدون چالش نخواهد گذاشت. کسانیکه فساد اداری و چپاولگری را براه می اندازند

ویا زمینه های مختلف را در این جهت مساعد میسازند دشمنان مخفی و آشکار ارمان ملی و انسانی ملت ماست. فساد اداری و زورگیری ناشی از سوء استفاده از قدرت دولتی است که در قدم نخست همیاران تنظیمی و دوستان خانوادگی را در شعاع قدرت شریک می سازند و بعدا بنام های بازسازی و نوسازی به دستبرد دارایی های عامه متوسل میگردند.

بیش از یک دهه از عمر اداره فعلی و موجودیت نیروهای خارجی میگذرد، اما مردم هنوز هم در سایه تفنگ، فساد، چور و چپاولگری، استبداد و آدمکشی جنگسالاران بسر برده و زندگی برای مردم فقیر شکنجه بار و دردناک است. فقط تفاوت انان با یک دهه قبل اینست که ریش و پکول و بعضی از کلمات مانند «دموکراسی»، «انتخابات» و غیره را نیز یاد گرفته اند و با آن بازی می کنند. قوماندانها و جنگ سالاران غارتگر و آدمکش که از راه رذالت و چپاول و فساد و قاچاق مواد مخدر به میلیونرها مبدل شده اند.

طی دوازده سال گذشته یعنی از سال دوهزار دو تا سال دو هزار و چهارده میلادی، جامعه جهانی یکصد میلیارد دلار را در جریان نشست های جهانی برای تامین امنیت و بازسازی کشور وعده و پرداخته اند. این پول ها در کنفرانس بن، کنفرانس توکیو، کنفرانس برلین، کنفرانس لندن، کنفرانس رم، کنفرانس پاریس، کنفرانس هاگ، کنفرانس لندن، کنفرانس کابل، کنفرانس لیزبون که البته باید کنفرانس بن دوم و نشست توکیو را نیز به این کنفرانسها اضافه کنیم تعهد و تادیه گردیده و اما این یکصد میلیارد دلار کمک جامعه جهانی طی این سال ها در کجا مصرف شده است؟ این مبلغ گزاف چقدر باعث رشد و بالندگی اقتصاد کشور گردیده است؟ چند درصد از این کمکه صرف بهبود شرایط زندگی مردم عادی و چه میزان در حسابهای شخصی سران جنگ و تفنگ و زور داران تنظیمی و دولتی واریز شده است؟ و اکنون بیش از چهل کشور در وطن حضور فزینی دارند. اما متأسفانه و سوگمندانه مردم مظلوم ما قربانی امیال و هوسهای گوناگون افراد و گروههای مختلف تنظیمی، دولتی و نظامی شده اند، بدون اینکه در زندگی سراسر پریشانی و مشقت بار آنها تغییر مثبتی صورت گیرد. منتها هرگاه که جنگ بر سر منافع و به دست آوردن قدرت صورت می گیرد کسانی که بیش از همه ضرر می کنند و قربانی می شوند، مردم هستند که در کوران حوادث همواره باید تاوان خود خواهیها و قدرت طلبی های مثنی معامله گر و اجنبی پرست را بپردازند. مردم که با صدها مشکل روزگار می گذرانند، نگران این هستند که با تداوم نا امنی ها، مانند حادثه پغمان، تفنگ کشی در خیمه لویه جرگه در سالروز کشته شدن مسعود و زورگویی و قدرت طلبی بعد از انتخابات، خدای ناخواسته جان و ناموس شان بی رحمانه در مقابل هوسهای قدرت طلبانه جنگ سالاران به خطر افتد.

هنوز قاچاق مواد مخدر، معادن، انبارهای اسلحه، چور و چپاول سرمایه های دولتی و شخصی، رشوت و رشوت ستانی، قتل و جنایت های تکان دهنده، دزدی و اختلاس، خویش خوری و قوم پرستی، غصب زمینهای دولتی و املاک شخصی. . . در کشور بیداد می کند و هنوز سران گروههای اوباش و چپاولگر با تفنگ و ماشیندار در شهرکابل بر مردم ظلم روا میدارند. کجاست دولت، قانون، نیروهای مسلح و نیروهای شرانداز آیساف؟؟؟ تا ملت

را ازین بدبختی و تباهی نجات بدهند. غصب زمین و احداث بی رویه خانه ها و بلند منزل ها توسط افراد زورمند، به یکی از معضلات بزرگ در کشور تبدیل شده است. خلیلی معاون رییس جمهوری میگوید: مافیای زمین مانند یک غده سرطانی در همه جا ریشه دوانده اند و در حال بلعیدن و غصب زمین می باشند. تا زمانی که از سوی وزارت امور شهرسازی و شهرداری ها در همکاری با نهادهای ذیدخل، با مافیای زمین برخورد جدی و قاطعانه صورت نگیرد، شهرهای افغانستان به صورت اساسی و زیربنایی توسعه نخواهند یافت. اشخاص و نهادهایی که در غصب زمین دخیل اند باید از سوی ارگان های مربوطه شناسایی و به مردم و دولت معرفی شوند.

مسولین باید مشخص نمایند در شناسایی غاصبین کی ها مانع ایجاد می کنند، از طرف کدام مرجع همکاری نمی شود و چرا غصب زمین هر روز جریان دارد و هیچ گاه جلوگیری نتوانسته اید؛ باید اعلام شود پشت این گونه قضایا کی ها هستند؛ اگر دولت است باید اصلاح کند، اگر ادارات ذیدخل است باید روشن شود و اگر مافیا مستقل به این حد توانایی دارند نیز باید روشن شود. از نوشته های قبلی و منابع خبری بهره گرفته ام.

برای تماشای تصاویر جایادهای عطاء نور به این آدرس بروید:

<http://youngdemocrats.blogfa.com/post/18>

(استاد صباح)

thesabah@gmail.com